

#### گذر

**جعفرزاده ایمن** آبادی درباره نظارت مجمع بر مصوبات مجلس:

#### لاریجانی باید پاسخ روشنی به رضایی می‌داد

**● ایلنا:** غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نایب‌رئیس نخست فراکسیون مستقلین، با اشاره به اختلاف‌نظرهای چند هفته گذشته درباره ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به روند قانون‌گذاری و اعمال نظارت این مجمع بر مصوبات مجلس گفت: «محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ آبان خطاب به علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، سعی کرده است استدلال کند نظارتی که اخیرا بنا دارند از سوی هیئت‌عالی نظارت این مجمع بر مصوبات مجلس اعمال کنند، پشتوانه قانونی دارد اما جالب اینکه شخصا هرچه بیشتر استدلال ارائه‌شده از سوی آقای رضایی را بررسی می‌کنم، اطمینان بیشتری درباره غیرقانونی‌بودن این نوع نظارت‌ر بر مجلس حاصل می‌کنم».

او افزود: «مجمع تشخیص مصلحت نظام صرفا می‌تواند نظارت مشورتی خود درباره مصوبات مجلس را به اطلاع شورای نگهبان برساند و تصمیم‌گیری درباره این نظارت مشورتی نیز برعهده شورای نگهبان است و ارتباطی به مجلس ندارد، اما متأسفانه شاهد دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام در کار مجلس هستیم».

او با اشاره به بند یک نامه دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به رئیس مجلس گفت: «نمایندگان منتقد این نوع نظارت برخلاف تصور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، سؤال و ابهامی در این زمینه ندارند، بلکه نسبت به این رویه بدیع و خلاف قانون معترض‌اند. اگر اقرار است یک مجلس دیگر کنار مجلس فعلی و یک شورای نگهبان هم کنار شورای نگهبان اصلی تولید کنیم، لاقابل صریحا به مردم بگوییم.» ایمن‌آبادی گفت: «آقای لاریجانی و مجلس نباید زیر بار این مسئله بروند. واقعا متوجه علت سکوت آقای لاریجانی نمی‌شوم. حتی به نظرم، آقای لاریجانی نباید این نامه را به نمایندگان ارجاع می‌کرد، بلکه باید مستقیما پاسخی روشن به محسن رضایی می‌داد. آقای لاریجانی وظیفه دارد از شان مجلس دفاع کند».

##### ادامه از صفحه اول

#### ضرورت ابهام‌زدایی از یک انتخابات

۵. بنابراین به نظر می‌رسد به حکم عقل باید قائل شد به اینکه همه نامزد‌های تأیید‌صلاحیت‌شده (و نه نصف یا ثلث یا ربع آنها) باید دعوت شوند و رای‌گیری با حضور عده حاضر انجام شود و معیار انتخاب، اکثریت نسبی باشد، یعنی هرکس بیشترین رای را آورد منتخب مدیران مسئول برای کرسی نمایندگی آنان محسوب شود.

۶- گمان می‌رود عمل به احتیاط در این ماجرا، اقتضائی جز این ندارد و هر نحوه عمل دیگری ممکن است بعدا با ادعا و دعوای ابطال مواجه شود، زیرا مثلا هریک از کاندیداها که دعوت نشوند، ممکن است متقاضی ابطال باشند، ولو اینکه در انتخابات حتی یک رای هم نیاورده باشند. بدیهی است هم قانون و هم آیین‌نامه، می‌توانست و می‌تواند بهتر و روشن‌تر از آنچه هست، تنظیم شود؛ مثلا اگر برای هر مورد از انواع انتخابات و گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مشخصا نوع اکثریت تعیین شود دچار ابهامات و مشکلاتی این‌گونه که هست نخواهیم شد. همچنین با توجه به نمونه‌ها و سوابق موجود، حکم به این کرد که در دور دوم، دو نفر که حائزان آرای بیشتری هستند، به رقابت بپردازند و آن‌که رای بیشتری کسب می‌کند، با اکثریت نسبی انتخاب شود.

شرق: حقوق کارمندان دولت در سال آینده ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. این خبری بود که محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه، روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت به خبرنگاران داد و تأکید کرد دولت در تلاش است از معیشت مزدبگیران حفاظت و حمایت کند.

**افزایش ۲۰ درصدی برای سال آینده**

محمدباقر نوبخت، در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره بودجه سال آینده به خبرنگاران گفت: «یکی از ویژگی‌های بودجه، ضدتحریم‌بودن آن است و ما درعین‌حال توجه ویژه‌ای به معیشت کارکنان دولت داریم و افزایش ۲۰ درصدی را برای آنها در نظر گرفته‌ایم». به‌این‌ترتیب پس از آنکه گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال افزایش فوری حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان در سال جاری به نتیجه نرسید و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه آن را منتفی دانست، حالا افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت برای سال آینده به مهم‌ترین خبر معیشتی هفته جاری تبدیل شده و واکنش‌های مختلفی را هم به همراه داشته است. میزان افزایش حقوق ۲۰ درصدی کارکنان دولت در حالی توسط رئیس سازمان برنامه‌وبودجه مطرح شده است که صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود تورم ایران در سال ۲۰۱۸ را ۲۹٫۶ درصد اعلام و برای سال آینده میلادی ۳۴٫۱ درصد پیش‌بینی کرده است. مرکز آمار ایران اما در آخرین گزارش‌های خود، نرخ تورم را در آبان‌ماه سال جاری ۱۵٫۶ درصد اعلام کرده است؛ نرخی که بانک مرکزی آن را ۱۸٫۴ درصد می‌داند.

**انباشت عقب‌ماندگی‌ها**

نگاهی به میزان افزایش دستمزد کارکنان دولت در سال‌های گذشته نشان می‌دهد در اکثر این سال‌ها رشد حقوق کارمندان دولت کمتر از نرخ تورم بوده و اگرچه در برخی سال‌ها افزایش دستمزدها اندکی بیشتر از نرخ تورم بوده، اما همواره فاصله‌ای معنادار میان افزایش دستمزدها و نرخ تورم وجود داشته که در عمل قدرت خرید کارکنان دولت را کاهش داده است.

در طول هشت سال دولت احمدی‌نژاد به‌جز در سال ۸۵ و ۸۸ که رشد حقوق کارمندان به‌ترتیب ۲٫۶ و ۷٫۵ درصد بیشتر از نرخ تورم رسمی آن سال بوده، در سال‌های دیگر افزایش دستمزد کارکنان بسیار کمتر از نرخ تورم بوده است. این فاصله در سه سال متوالی منتهی به سال ۹۲ بیش از ۱۰ درصد بوده و در سال ۱۳۸۷ به ۱۸ درصد رسیده است. درواقع درحالی‌که در سال ۸۷ نرخ تورم اعلامی ۲۵٫۴ درصد بوده، رشد حقوق کارکنان تنها هفت درصد بوده و در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ نیز که به‌ترتیب نرخ تورم ۳۱٫۵، ۳۴٫۷ و ۳۴٫۷ درصد بوده، حقوق کارکنان دولت به‌ترتیب تنها ۱۵، ۲۰ و ۲۰

## اقتصاد

رئیس سازمان برنامه‌وبودجه از افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان در بودجه ۹۸ خبر داد

# عقب‌ماندگی حقوق از تورم



درصد افزایش یافته است. به‌این‌ترتیب حتی افزایش دستمزد کارمندان دولت متناسب با نرخ تورم و حتی اندکی بیشتر از آن، در دولت روحانی نیز کمکی به بازگشت قدرت خرید کارمندان دولت نکرده و حال، با اعلام نرخ افزایش دستمزد ۲۰ درصدی در شرایط تورمی فعلی، می‌توان ادعا کرد در سال ۹۸ برای اولین‌بار در دولت روحانی میزان افزایش دستمزد کارمندان دولت کمتر از نرخ تورم خواهد بود.

وحد محمودی، اقتصاددان و متخصص حوزه فقهر، درباره تأثیر این میزان افزایش حقوق کارمندان بر قدرت خرید آنان می‌گوید: بحث مهمی که

دراین‌باره وجود دارد، تلاش برای حفظ قدرت خرید افراد است.

میزان افزایش حقوق کارمندان از آن جهت مهم است که برای تعیین حداقل دستمزد نیز معمولا حول‌وحوش همین اعداد توافق می‌شود و اگر سیاست‌گذار، چه در حوزه دستمزد کارگران و چه حقوق کارکنان دولت بتواند متناسب با افزایش قیمت‌ها و تورم سطح درآمد آنها را افزایش دهد، به طور طبیعی قدرت خرید آنان ثابت خواهد ماند و کمتر تحت فشار قرار می‌گیرند، اما اعداد و ارقام گویای این است که ما تورم بالای ۲۰ درصد را امسال تجربه خواهیم کرد و این پیش‌بینی‌ها تا تورم ۵۰ درصدی هم انجام شده است. همین امروز هم وقتی به تورم نقطه‌ای نگاه می‌کنیم این پیش‌بینی‌ها را تأیید می‌کند، بنابراین افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان نمی‌تواند برای حفظ قدرت خرید آنها کفایت کند. محمودی اما به روی دیگر سکه نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: اما واضح است که ما در شرایط پیچیده اقتصادی هستیم و دولت با

و دولت او نیز از افزایش متناسب حقوق و دستمزد ناتوان بود که باعث افزایش فشار به خانواده‌ها شد. با رفتن کشور به محاق رکود تورمی از سال ۸۹ و کاهش انباشت سرمایه و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی، این فشار اقتصادی بدتر شد. در دولت اول روحانی به دلیل اراده دولت و کشایش‌هایی که صورت گرفت، تورم کنترل شد اما این دستاورد پایدار نبود و درحال‌حاضر در شرایطی قرار داریم که فشار تورمی شدیدی را تحمل می‌کنیم. به همین دلیل عدم افزایش دستمزد کارمندان و کارگران متناسب با افزایش قیمت‌ها باعث کاهش میزان رفاه مزدبگیران خواهد شد یا مجبور به زمان‌فروشی خواهند شد. محمودی در توضیح پدیده «زمان‌فروشی» می‌گوید: وقتی با تورم ۴۰ درصدی روبه‌رو هستید و افزایش حقوق ۲۰ درصدی را تجربه کنید، کارگر با کارمند برای حفظ قدرت خرید قبلی خود باید آن مابه‌التفاوت را با یافتن شغل دوم و سوم جبران کند و از زمان استراحت با وقتی که باید با خانواده‌اش بگذراند، کم کند که به معنای افزایش فقر زمانی خواهد بود. این فقر زمانی در خانوارهای با درآمد کمتر با فقر درآمدی نیز هم‌زمان است که فشار را بر این خانوارها تشدید می‌کند. محمودی درباره راهکارهای حفظ قدرت خرید مزدبگیران نیز می‌گوید: یکی از راهکارها کنترل رشد افسارگسیخته نقدینگی است و اگر ثبات به بازار ارز حکم‌فرما شود، می‌توان امیدوار بود با کاهش نرخ ارز و تورم قدرت خرید کارکنان نیز آسیب کمتری ببیند. بنابراین اگر شاهد کیفیت درست سیاست‌گذاری باشیم، می‌توانیم به کاهش این آسیب‌ها هم امیدوار باشیم.

همچنین به نظر می‌رسد دولت برنامه‌هایی عملی و روشنی برای اشتغال‌زایی ندارد؛ درحالی‌که اگر شاهد افزایش فرصت‌های اشتغال باشیم نیز می‌توانیم امیدوار باشیم با افزایش تعداد کارکنان در خانواده‌ها از حجم فشار بر آنها کاسته شود. محمودی درباره خطرات افزایش دستمزد مزدبگیران بدون توجه به اثرات جانبی آن نیز می‌گوید: در نظریات متعارف اقتصادی، افزایش حقوق و دستمزد تابعی از بهره‌وری است نه تابعی از نیاز فرد مستخدم. یک بنگاه اقتصادی اگر بتواند ارزش افزوده بیشتری تولید کند، می‌تواند سهم بیشتری از آن ارزش افزوده را به مستخدمانش اختصاص دهد. بااین‌حال اگر این افزایش دستمزد بدون توجه به وضعیت اقتصادی کشور انجام بگیرد، باعث می‌شود بنگاه‌هایی که همین امروز در وضعیت زیان‌دهی هستند، وارد وضعیت غیراقتصادی شده و تعطیل شوند. به‌عبارت‌دیگر تصمیمات ناجا در این موارد می‌تواند به ضرر همان افرادی تمام شود که دولت قصد کمک‌کردن به آنها را داشته است.

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

از طرف دیگر

#### گزارش روز

**اثرات آبخیزداری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مدیریت آب، ناشناخته باقی‌مانده است**

#### کم‌توجهی به مدیریت نرم‌افزاری آب

**● شرق:** آبخیزداری را بُعد نرم‌افزاری مدیریت منابع آب معرفی می‌کنند. آبخوان‌داری هم اقدامی در راستای تغذیه آبخوان‌ها برای ایجاد پایداری در بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی به حساب می‌آید؛ اما با توجه به اهمیت آبخیزداری و آبخوان‌داری، اقدامات اجرایی اندکی در این حوزه انجام شده است و همواره به بُعد نرم‌افزاری مدیریت آب، آن‌طور که باید و شاید، توجهی نشده است. همچنین اعتبارات اختصاص‌یافته به مدیریت نرم‌افزاری بخش آب، در مقایسه با سدسازی، بسیار اندک است. احمدعلی کیخا، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، بر این باور است که اگر مطالعاتی جامع درباره اثرات هریک از مؤلفه‌های مدیریت آب انجام شود، به‌طور حتم این نقیصه برطرف خواهد شد. کفه دعوای بودجه‌ای در بخش آب، همواره به سمت سدسازی خم شده است. طرفداران ساخت سازه در ایران، عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری را اقدامی در راستای تأمین آب نمی‌دانند و تا همین چند سال پیش، در لابی‌های بودجه‌ای پیروز میدان بودند؛ تا اینکه یکی پس از دیگری دشت‌های کشور که نیمی از آب مورد نیاز ایرانان از پوسته زیرین آنها تأمین می‌شد، فرونشست و تصمیم‌سازان به این فکر افتادند که چگونه جلوی این بلا را بگیرند. با این وقایع بود که توجه به آبخیزداری در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گرفت. البته هنوز دعوای بر سر اینکه آبخیزداری آبی تأمین نمی‌کند و روش مطمئنی برای تأمین آب نیست، ادامه دارد. داوود نیک‌کامی، رئیس پژوهشکده خاک و آبخیزداری، در گفت‌وگو با «شرق» درباره وظیفه آبخیز‌زداری می‌گوید: تمام فعالیت‌های مرتبط با موضوع آب، خاک، پوشش گیاهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی آب، در حیطه وظایف آبخیزداری قرار می‌گیرد. او اضافه می‌کند: با آبخیزداری جلوی فرسایش خاک و تخریب اراضی گرفته شده و بهترین راندمان رای آب حاصل می‌شود. آبخیزداری را می‌توان بُعد نرم‌افزاری مدیریت آب نامید. در واقع آبخیزداری منابع را به صورت یکپارچه مدیریت می‌کند. به گفته رئیس پژوهشکده خاک و آبخیزداری، آبخوان‌داری نیز هدایت بخشی از سیل از طریق مخروط افکنه‌ها به داخل زمین است که با هدف سازش منابع آب زیرزمینی انجام می‌شود. در واقع مدیریت کمی و کیفی منابع آب زیرزمینی را آبخوان‌داری می‌گویند.

**اثرات آبخوان‌داری برتغذیه منابع آب زیرزمینی**

نیک‌کامی می‌گوید: آبخوان‌داری می‌تواند جلوی اثرات مخرب سیل را بگیرد و توسعه کشاورزی را به همراه داشته باشد. او اضافه می‌کند: در یکی از ایستگاه‌های این مجموعه تحقیقاتی واقع در دهلران، سطح اراضی کشاورزی دو هزار هکتار بوده است و با وجود اینکه به این سطح ۱۰ هزار هکتار زمین جدید هم اضافه شده است و همچنان در این ۱۲ هزار هکتار ردت و گندم کشت می‌شود، اما به دلیل اجرای پروژه‌های آبخوان‌داری و تغذیه منابع آب زیرزمینی از طریق سیلاب‌های فصلی، این دشت هنوز به مشکل برخوردده است. به گفته رئیس پژوهشکده خاک و آبخیزداری، اجرای پروژه‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری نسبت فایده به هزینه مناسبی دارد و توجه به اجرای این پروژه‌ها، دارای توجیه اقتصادی است. او درباره دلایل بی‌توجهی به مدیریت نرم‌افزاری آب در کشور عنوان می‌کند: در کلان کشور ارزش و اهمیت کارهای مدیریتی نسبت به سزایا کمتر است. برای سدسازی در کشور خیلی پول هزینه می‌شود و راحت پول می‌دهند، اما به مدیریت حوضه آبخیز مربوط به آن سد که بعد از چند سال بر از رسوب می‌شود، خیلی اهمیت داده نمی‌شود؛ زیرا مدیریت خیلی به چشم نمی‌آید و یک شکل نرم‌افزاری دارد، به همین خاطر به آن کمتر توجه می‌شود.

**توجه ویژه مجلس به آبخیزداری**

احمدعلی کیخا، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» از توجه ویژه مجلس به بحث آبخیزداری خبر می‌دهد. او می‌گوید: امسال ۲۰۰ میلیون دلار از محل صندوق توسعه ملی به پروژه‌های آبخیزداری اختصاص یافته است. کیخا به این پرسش که چرا توجه به پروژه‌های آبخیزداری نسبت به سدسازی با این همه تأخیر انجام شده است، این‌گونه پاسخ می‌دهد: مجری پروژه‌های آبخیزداری، وزارت جهاد کشاورزی و پروژه‌های کلان آب، وزارت نیرو است. وزارت جهاد کشاورزی مجموعه‌ای بزرگ شد و وظایف فراوان آن کمتر توجه‌های آبخیزداری در دل این همه وظیفه گم شده؛ به همین دلیل سهم کمتری به آن اختصاص داده شده است. او اضافه می‌کند: متأسفانه اثرات مثبت آبخیزداری در بحث مدیریت منابع آب، به صورت یکپارچه در یک‌جا مورد ارزیابی قرار نگرفته است، یعنی هیچ نهادی اثرات روش‌های تأمین آب از جمله آبخیزداری، آبخوان‌داری و احداث سدا را به صورت متمرکز از منظر اثرگذاری بررسی نکرده است تا بر آن اساس اعتبار تخصیص یابند. کیخا می‌گوید: این نقیصه‌ای کلی است و آگاهی‌ناشتن از کارکردهای طرح‌های آبخیزداری نیز در بین تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران می‌تواند دلیل دیگری برای کم‌توجهی به پروژه‌های آبخیزداری باشد. او با اشاره به اثرات مثبت اجرای عملیات آبخیزداری در دشت قروه و دهگلان بر افزایش سطح منابع آب زیرزمینی، گفت‌شوند درباره اثرات آبخیزداری را عامل مؤثری معرفی می‌کند که این قبیل طرح‌ها را از حالت مهجور فعلی خارج خواهد کرد.